

همه چیز یا هیچ چیز...

دوشنبه ۳۰ ژانویه ازسوی سازمان مانشستی برای شنیدن نوار "شب تاریخی" تحصن در دانشگاه صنعتی، و ابراز همستگی با پیکار مردم میهنان با شرکت ایرانیان مبارز و علاقمند مقیم برلن غربی در دانشگاه فنی این شهر برگزار شد. ماجرای تحصن چندین هزار نفری مردم با شرکت نمایندگان اقشار مختلف و شورانقلابی آنان، باطنین بانگ رسایشان، برای شرکت کنندگان در این نشست زنده شد و در پایان قطعنامه ای برای آزادی ۵ هنرمند مردمی که هم اکنون در بند شکنجه دشمن اند و پشتیبانان از دانشجویان مبارز دانشگاه - های ایران و "کانون نویسندگان ایران"، به اتفاق آرا به تصویب رسید.

انگیزه و چگونگی این تحصن که اجتماع حاضر در آن، شب را با بانگهای اعتراضی، پیاپی همستگی گوناگون از جانب اقشار مختلف، سرودها و اشعار رزمی، پیروزمندان به صبح رساندند، در زمینه آرمان آزادی به تفصیل آمده است. آنچه در اینجا شایان تذکر است، اهمیت شنیدن نوار ماجرای تحصن در افشای تحریفات کسانی بود که با واقعیت عینی جامعه ما و حرکت سیاسی توده ها بیگانه اند و به پیروی از پندار دور از واقعیت خود، زمانی مبلغ نظریاتی بودند که توده ها را به با ناسزای گرفت، از اینگونه:

"کسیکه از صبح تا شام پشت میز با پیشخوان مغازه و یا چرخ کارخانه وقت میگذراند بتدریج از ظرفیت انقلابی کاسته شده تحریک فکری و عملی خود را از دست میدهد. گروهی که از چنین افرادی تشکیل شود حتی قادر به انجام مراحل اول تدارک انقلابی نیز نمیشود." (جزوه آنچه باید یک انقلابی بداند نوشته علی اکبر صفائی فراهانی صفحه ۴۱)

و امروز پندارهایی خود را در قالبی دیگر بصورت مخالفت با حرکت سیاسی توده ها برای کسب حقوقی و مکرانیک بروز میدهند و چون این شیوه مانند شیوه‌ها گذشته نمی تواند موفق باشد، بتحریف واقعیات میپردازند. یکی از واقعیات تحریف شده همین ماجرای تحصن دانشگاه صنعتی بود. نشریه شیفته گسان "آتوریت" در برلن غربی، شماره ۳، نوشته بود که گویا نویسندگانی پیشرو و مردمی به آذین "بست نشینان" را دعوت به شکستن مقاومت و تحصن نموده و "بست نشینان" دعوت جنابم - به آذین را رد کرده و برای رسیدن به خواسته‌هایشان، ضمن صد ورق قطعنامه‌ای که بیان کننده خواسته‌های بحق شان بود اعلام نمودند که در صورت عدم تحقق خواسته‌هایشان مبارزه را ادامه خواهند داد. "و نشریه دیگری بنام خبرگزاری چاپ پاریس شماره ۹ در این باره نوشت: "در این موقعیت نمایندگان سیاسی آیدئولوژیک کمیته مرکزی چون به آذین ها وارد عمل شده و در پی آن می آیند تا جلوی مبارزات را سد بنمایند."

اما پخش نوار تهیه شده از تحصن از طرف سازمان ما، بهترین امکان را بوجود آورد تا واقعیت امر روشن شود به آذین در جلسه تحصن چنین گفت:

"دوستان عزیز! بهتر است واقع بین باشیم، شما یک شب در این تالار مانده اید، مقاومت تسون سعی تون واقعا قابل تقدیر هست و نتیجه‌ی خودش را هم آتی میدهد و هم تأثیر روی جریانات آینده ای که شما در موردش فعالیت های فوق برنامه ای خودتان را داد اید و در رابطه تان با دنیاله در صفحه ۲

نشریه خبری

آلمان فدرال و برلن غربی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۶



سال سوم، شماره ۱۲۲

۱۴ بهمن روز شهادت دکتر تقی ارانی

روز شهیدان

۱۴ بهمن سالروز شهادت دکتر تقی ارانی، از طرف نیروهای مترقی و مبارز ایران، روز شهیدان نام گرفته است.

۲۸ سال پیش، دکتر تقی ارانی، رهبر برجسته زحمتکشان ایران پس از مقاومت های قهرمانانه و تحمل شرایط غیر انسانی زندانهای رضا شاه، بشهادت رسید. دکتر تقی ارانی در سال ۱۲۸۱ در تبریز متولد شد و پس از پایان دوره دبیرستان در سال ۱۳۰۱ عازم آلمان شد. دوران نوجوانی ارانی همزمان بود با انقلاب در ایران سازاکتبر و جنبش های انقلابی در ایران که تأثیر شگرف در شکل گیری افکار انقلابی وی داشت.

دکتر ارانی در مدت اقامت خود در برلن ضمن تحصیل رشته شیمی، با تشخیص هوشیارانه در مقابل کلیه نظرات انحرافی آن زمان از جمله تروتسکیسم، اکونومیسم، سانترسیسم و آنارشسیسم و انواع نظرات گروه های ماورای چپ و راست که هم اکنون نیز در میان محافل روشنفکری وجود دارد، راه راستین مارکسیسم - لنینیسم، راه واقعی را انتخاب کرد و با دانشجویان کمونیست ایران در آلمان، تحت رهبری حزب کمونیست ایران، که فعالیت پنهانی داشتند، ارتباط برقرار کرد و گام در راه فعالیت انقلابی نهاد و در ادامه و نویسندگی نشریات "پیکار" و "بیرق انقلاب"، که در آلمان منتشر میشد، شرکت فعال داشت. بدین سان ارانی در سال ۱۳۰۹ با مجهز شدن به جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و با اندوختن تجربه های فراوان در کار سازمانی و تبلیغاتی، با عزمی راسخ به ایران بازگشت. ارانی برای افشاکری، از طرفی به انتشار مجله "دنیا"، که مجله علنی حزب بود اقدام کرد و از طرف دیگر به اتفاق دو تن از کمونیستهای قدیمی ایران، به اعیان و سازماندهی حزب کمونیست ایران پرداخت. این سازمان که وظیفه خود را مانند هر سازمان راستین کمونیستی، شرکت در مبارزات مردم دانست و موفق شد در شرایط دیکتاتوری آن زمان چندین اعتصاب را در کارخانه ها و مدارس رهبری کند از طرف دیگر مجله "دنیا" در راه انتشار اندیشه ژرف مارکسیسم و نبرد علیه فلسفه تاریک و ضد بشری فاشیسم، کاری بس ارزنده کرد. مجله برای اینکه بتواند به شکل علنی انتشار یابد، مسایل فلسفی، علمی، هنری، اقتصادی و سیاسی را بزبانی مطرح میکرد که توجه پلیس را جلب نکند. بمنظور منحرف ساختن توجه پلیس برخی مقالات صرفا علمی و فنی نیز در آن درج میکردید. همان شیوه ای که فرزندان راستین خلق و شاگردان امروز مکتب ارانی در ایران بکرات بدان دست میزنند. از این جمله اند ده ها دفتر جنگ و کتاب و رساله و ترجمه، که مدت ها پس از انتشار، ساواک به جمع آوری آنها اقدام میکند. نمونه درخشان استفاده از این



روش را هوشنگ تیرایی شهید در پیشگفتار ترجمه ی کتاب "انتقادی بر فرریدیسم"، که خود با محتوی آن مخالف بود و فقط برای اینکه بتواند نظرات خود را دسترس همگان بگذارد، به کار برده است. و یا صمد بهرنگی در شاهکار برگزین "ماهی سیاه کوچولو" که او نیز از همین شیوه استفاده کرد و رژیم دیگر قادر به جمع آوری این اثر نشد.

مجله "دنیا" پس از دو سال انتشار توقیف شد ولی ارانی و یاران حق به فعالیت سازمانی خود ادامه داد. در سال ۱۳۱۶ گروهی از آنان، که بعد ها به گروه "۵۳" نغمه موسوم شدند دستگیر گردیدند. با انتشار این دوره از "دنیا" برای نخستین بار در ایران دیده شد که میتوان با انتخاب شیوه های درست حتی در محیط خفقان افکار و سانسور پلیسی حکومت مطلقه، به تبلیغات پر دامنه ای در جهت عکس سیاست حکومت پرداخت و از دستبرد پلیس ایمن ماند.

مبارزه ی پر افتخار ارانی در شکل دادن مکتبی برای پرورش فکری، سازمانی و معنوی عده ای از کادر های انقلابی، که بعد ها حزب توده ایران، سازمان نین طبقه ی کارگر را در کشور ما شالوده ریزی کرد و نقش مهمی را ایفا کرده است.

دکتر تقی ارانی نه تنها در نشر افکار مارکسیستی و سازماندهی مبارزات مخفی، بلکه همچنین در مقاومت مبارزه و دفاع قهرمانانه در برابر پیدادگاه رضا خان نمونه ای فراموش ناشدنی است. دکتر ارانی دادگاه را به صحنه محاکمه رژیم ارتجاعی رضا خان تبدیل کرد و در رد قوانین ارتجاعی مورداستناد دادگاه گفت:

"فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد."

ارانی سپس به توضیح حقانیت راهی که خود و یاران همراهش برگزیده اند پرداخت و گفت:

درود به خاطر تابناک همه شهدای جنبش رهایی بخش ایران

گزارش بانای از ایران

تعطیل دانشکده

● عصر روز ۱۲ دیماه جاری افراد کار در دانشکده ملی به دانشجویان این دانشکده حمله کردند تا آنها را از دانشکده بیرون کنند. مقاومت دانشجویان سبب زد و خورد شد و سرانجام عامل رژیم باخسوست و هجوم همدی دانشجویان را از محوطه دانشکده به بیرون راندند. صبح سه شنبه ۱۳ دیماه گرازهای شاه در لباس افراد کار در به دانشکده تهران ریختند، دانشجویان را از کلاسها بیرون کشید و به رغم مقاومت آنها از محوطه دانشکده بیرونشان کردند.

عده ای از دانشجویان که علت بیورش رژیم براد روزهای آرامش دانشکده که مسیح گونه حرکت اعتصابی و اعتراضی مسعود نیست جویا شده بودند جواب شنیدند: "دانشجویی نخواهیم. دانشکده تهران اساسا دانشجوی و مخصوصا دانشجوی علوم اجتماعی نمیخواهد."

کار دیها به دانشجویان می گفتند: "همه شما راه سربازی می فرستند و بار دیگر دانشجویان انتخاب می کنند."

رژیم ضد فرهنگ از هفته پیش با ممانعت از تشکیل کلاسها عملا دانشکده علوم اجتماعی را منحل کرده است.

دنیاله همه چیزها هیچ چیز

اولیای دانشکده، این تأثیر رابی شك خواهد گذاشت. تسهیلاتی در کار فرهنگی تان تسهیلاتی در مورد کارهای فوق برنامه ای تان داد خواهد شد. خودتون می توانید یک ضرب الحظلی تعیین کنید مثلا تاد روز، اگر هم کسانی را شما میدانید که در یازد است به علت شرکت در این جلسه هستند، آزاد نشده اند یعنی اینکه این حرکت را بصورت دیگر ادامه بدید. اگر که خودتون ضرورتش میدونید، این را بدانید که کسی برای شما تکلیف نمیتونه معین بکنه. شما میتونید در مقابل باریس دانشگاهتون این حرف را به ایشان بزنید که شما آقای رئیس دانشکده موظفید که حد اکثر کوشش خودتون را برای آزادی کسانی را که در یازد است بسرمی برند، بکنید. و اگر تا مدت معینی که البته بسته به این است که چه جوری خودتون بگید. در هر حال تا مدت معینی اگر این کسانی که در یازد است بسرمی برند آزاد نشدند، خوب آزادی عمل خواهید داشت شما، کسی این آزادی عمل را از شما نگیره. . . ."

در حقیقت، قطعنامه ای که جلسه تحصن صادر کرد، با الهام از سخنانم - به آذین تنظیم شده بود:

قطعنامه تحصن تاریخی

"از طرف تعدادی از دانشجویان دانشکده فنی با توجه به همبستگی شرکت کنندگان در این جلسه و موفقیتی که با این اتحاد بزرگ بدست آوردیم و با توجه به اهمیتی که ادامه این جلسات فرهنگی برای کلیه دانشجویان و سایر قشرهای اجتماع دارا می باشد، جلسه را با گرفتن تضمین زیرترک می کنیم. تضمین باید به این ترتیب باشد که حد اکثرتا روز یکشنبه هفته آینده از طرف رئیس

تظاهرات مردم تبریز

● روز ۷ آذر، گروهی از مردم تبریز در بازار شهر به عنوان اعتراض به رژیم دیکتاتوری شاه دست بستند. تظاهرات زده و ضمن حمله پلاکاردهایی که روی آنها شعارهای ضد رژیمی نقش بسته بود، شعارهایی به زبان آذربایجانی می دادند. این تظاهرات مورد حمایت گروه کثیری از بازاربانان قرار گرفت.

● روز ۱۲ آذر، معلمان شهر تبریز در محل اداره کل آموزش و پرورش اجتماع کرده و خواستهای خود را به مسئولان آن اداره تسلیم کردند که گویا در رأس آنها آزادی به آذین را خواستار شده بودند و همچنین خواهان افزایش حقوق و سندیابی برای فعالیت و مطرح کردن مطالبات خود بودند. در پایان جلسه دکتر خانعلی، معلم مبارز و شهید ایران در رود فرستاد معلمان تبریز برای پیگیری مطالبات خود روز ادک را برای تجمع مجددا اعلام کردند.

رژیم سعی در لوک کردن این گونه مجامع را دارد و سعی میکند با بدل زدن و تشکیل تظاهرات دولتی به اصطلاح ابراز انزجار از کارهای به اصطلاح ضد ملی مبارزان، کار این مجامع را مختل سازد.

دانشگاه صنعتی اعلامیه ای منتشرشود که در آن مسائل زیرگنجانده شده باشد:

۱- اعتراض به عمل وحشیانه پلیس، برای سخی در برهم زدن این جلسات و دستگیری بسند دلیل افرادیکه تنها جرمانه خواست آزادیهک فرهنگی می باشد.

۲- اعلام آزادی کلی زندانیانی که در این جریان دستگیر شده اند.

۳- تضمین ادامه یافتن جلسات سخنرانی در آینده.

چنانکه این آگهی حداقل در دانشکده صنعتی اعلام نشود، با توجه به اینکه تمام دانشکده ها همبستگی خود را با این اقدام اعلام کرده اند، از روز دوشنبه آینده تمام دانشکدهها به حالت اعتصاب در می آیند.

پس از اعلام قطعنامه که از سوی دانشجویان فنی پیشنهاد شده بود، نمایندگان دانشکده ها و دانشگاههای گوناگون، کارگران، معلمان و دانش آموزان یکی پس از دیگری پشت میکروفن قرار گرفته پشتیبانی خود را از قطعنامه تصویب شده اعلام کردند. نماینده دانشجویان دانشکده پلی تکنیک حتی شخصیت مبارزه به آذین راستود و گفته ای دهیانه ای وی را بازگو کرد که: "همه چیز یا هیچ چیز درست نیست." این امر بیانگر تأیید نظر به آذین از طرف تمام نمایندگان حاضر در جلسه بود.

تصویب این قطعنامه، گسترش و ادامه مبارزه یکپارچه دانشجویان را فراهم ساخت. بیجهت نیست که ساواک، به آذین و پسرش را، چند روز بعد از این واقعه به عنوان محرک ناآرامی های دانشکده دستگیر میکند. کاری که خشم و اعتراض نیروهای مترقی جهان را برانگیخت.

حال باید از این میرزابنویس های کافسه های پاریس و برلن غربی پرسید: آیا ساواک کسی را به جرم "سدر کردن راه مبارزه ضد رژیم" دستگیر میکند؟! .

قطعنامه

"ما شرکت کنندگان در جلسه همبستگی با شب تاریخی تحصن در دانشکده صنعتی تهران ۱۳۵۶ بان ۱۳۵۶" در برلن غربی که نوار جریان شب تحصن بزرگ در دانشکده صنعتی را شنیدیم، همبستگی خود را با دانشجویان مبارز دانشکده های ایران و کانون نویسندگان ایران اعلام کرده، اعمال قضیاتی را نسبت به هنرمندان و نویسندگان مترقی: حسن حسام، رستم خاکسار، علی اشرف در روشیان، ناصر عرفانی نژاد و محسن یلفانی محکوم میکنیم و خواهان آزادی هنرمندان و نویسندگان مترقی هستیم. شوکت کنندگان در جلسه همبستگی در برلن غربی ۳۰ ژانویه ۱۹۷۸."

دنیاله

"چطور میتوان عقایدی را قدس کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشر شروع شد، در جمیع شعب زندگانی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملا علمی و منطقی اظهار نظر میکنند؟"

هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود پاندازه سوسیالیسم و گونوسم راجع به آن کتاب تالیف و پابین کثرت انتشار یافته باشد. سپس در ظالمانه بودن قوانین حاکم گفت؟

"آیا ممکن است قوانینی که بدست اقلیت وضع شده است شفاف و خاکی از عدالت باشد؟"

دکتر تقی آرائی را در زندان به تیغوس مبتلا کردند و مانع معالجه او شدند. این بیماری و شکنجه های متوالی او را بنام مرگ فرستاد. شدت شکنجه های وارده به وی پاندازه ای بود که حتی مادرش با دیدن چسب آوتوانست فرزند خود را باز شناسد. کمی بعد تا آذین را از آن رسن ۷ سالگی، ناجوانمردانه کشتند. اما نتوانستند برانود را ورند.

این جنایت نه اولین و نه آخرین جنایت این دودمان ننگین بود. کشتارهای بی شمار این خاندان نیز تنها به کمونیست ها محدود نبود و نیست. هر آنکس، از کمونیست و غیر کمونیست، مسلمان و غیر مسلمان جبهه ای و تودهای و . . . با خیانتکاری آنها بضا لفت برخاسته از دم تیغ گذرانده اند. از دم تیغ تیغی و او این خود هشدار دهنده است. سالها پراگندگی و ضعف و ضربه پذیری، به قیمت جان عده بی شماری از بهترین فرزندان خلقهای ما تمام شده است. بدون اینکه ضربه ای کاری بر رژیم وارد شود.

بگوئیم با گزافی دانشکده های شهیدان جنبش در راه نژدیگتی و انتخاب تیره های ضد رژیم گام های جدی تری برداریم.

کمیته های رسیده

رفیق مبره ۵۵ مارک و رفیق آذین ۱۵۰ مارک به ما کمک مالی کرده اند. سپاسگزاریم.

توجه

انتقادات، پیشنهادات، مقالات - حتما با اسم مستعار و بدون ذکر نامی خود را (بوسیله تمبرهای ۵۰ فنیک) می توانید به این نشانی برای ما بفرستید: Berlin 12 Postfach Nr. 075170A

ODYSSEI

Organization of Democratic Youth and Students of Iran
BRD und Westberlin
Info Nr. 122 3 Februar 78

همه نیروها و عناصر مخالف استبداد باید با وحدت عمل و مبارزه خود، رژیم دیکتاتوری محمدرضا شاه را سرنگون سازند